

2016/19.12

گردآورنده: احسان لمر

بخش: نخبگان، شخصیت های تأثیر گذار تاریخی

بیوگرافی:

بابا عبدالعزیز الکوزائی

یکی دیگر از عیاران واقعی و مبارزین آزادی خواه، بیدار گر انقلابی، خجسته مرد دموکرات، مشروطه خواه، بی هراس و قاطع که دو دوره زندان سیاسی رژیم های کشور را هم دید «بابا عبدالعزیز الکوزائی» پسر «عطا محمد الکوزائی» میباشد.

«بابا عبدالعزیز» در فامیل دانشمند و دانش پروری رشد یافته و بزرگ شده بود چنانچه مینویسند که: " جوان دانشمند خوش نویس ماهری بود و در مطبعه کابل در حدود 1323 ق (1905 م) به حیث مصحح (درست و اصلاح کننده) چاپ سنگی کار میکرد و خط نستعلیق و نسخ را از دست چپ برآست هم خوانا و زیبا مینوشت." **1**

پس از عمری مبارزه، روشنگری و خدمت به مردم، این عیار واقعی و مردم دار عزیز، افغان شجاع و بی هراس، حق گو و حقیقت نویس سترگ بابا عبدالعزیز در 1342 ش 1963 م وفات نموده نامش با نشر جریده طلوع افغان همیشه زنده جاوید باد.



کارنامه ها :

این فرخنده دانشمند با درد و احساس همچون صدها عیار دیگر به نهضت مشروطیت اول پیوند داشت و به قول مورخین کشور تصادفاً در لیست نام دهندگان از قلم مانده و زندانی نشد اما با اشتراک در مشروطیت دوم در (1917 م) زندانی شده بعداً در (1919) آزاد گشت.

شادروان بابا عبدالعزیز الکوزای

معلومات بیشتر:

بابا حدود هشت سال مدیر اخبار «طلوع افغان» بود و در (15 مارچ 1922) به جواب جریده وابسته به دستگاه حکومتی هند بریتانوی یعنی «بلوچستان گزت» مقاله شدید لحنی نوشت. بعداً «حبیب الله طرزی» (پسر «سردار گل محمد طرزی» برادر بزرگ «محمود طرزی») به بابا مکتوب فرستاد که مقالات شدید لحن جنجال آور میباشد. «بابا عبدالعزیز» جوابیه شدید تر عنوان وزارت خارجه نوشت، و «حبیب الله طرزی» مکتوبی را مسوده نموده نزد «محمود طرزی» برد تا امضا نماید وقتاً «طرزی» وزیر خارجه آنرا ملاحظه نمود گفت: " میخواهی این مکتوب را من امضا کنم؟ به جواب گفتند که چون به وزارت خارجه تعرض کرده شما باید امضا نمائید «محمود طرزی» به جواب گفت: " نزد من این چوکی و این مقام ارزشی ندارد و در مقابل مسلک من که ژورنالیزم است به توتی نه می ارزد. من هم مثل او جریده نگارم و هرگز بخود اجازه نه می دهم که در مقابل کولیک خودم (یعنی همکار) چنین

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

**یک چیزی را بنویسم " و بعداً «محمود طرزی» بقلم خودش به «بابا عبدالعزیز» نوشت: " عزیز جان عزیزم !
جواب خوب دندان شکن به یاوره سرانی آن جریده انگلیس داده ای بارک الله." 2**

بابا در دوره «حبیب الله کلکانی» محبوس گردید و در (1309 ش - 1930 م) به حبس وکیل شهر قندهار انتخاب شد ولی به انتصاب عبدالاحد خان وردک ماهیار از جانب دولت بحیث رئیس شورا مخالفت نمود او عقیده داشت که این حق وکلاء است که رئیس شان را انتخاب نمایند، که بابا به آن دلیل از وکالت مستعفی گردید، رژیم که در پی فرصت و جستجوی بهانه بود بلاخره در (15 سنبله 1312 ش - 6 جولای 1933 م) بعد از حمله محمد عظیم منشی زاده به سفارت بریتانیه «شه باز»* { بقول از طره باز خان} بابا را هم به زندان انداختند که 13 سال را در سرای موتی و دهمزنگ در غل و زنجیر گذرانید .

"«عبدالعزیز» (محرر روز نامه « طلوع افغان» نماینده قندهار) که بر ضد لگام گسیختگی های شاه برآمده بود، به 13 سال زندان محکوم گردید و بهای بس سنگینی به خاطر آن پرداخت. حکومت همچنان گرفتن امضاء های نمایندگان را « به سود» نامزدی عبدالاحد ماهیار سازماندهی کرد. مگر تنها 26 نفر از 97 تن قاطعانه از این کار خود داری نمودند. این آدم های بی باک، رییس جدید التقرر را به آن متهم کردند که : او به نمایندگی از شورای ملی موافقت نامه یی را به امضا رسانیده است مبنی بر ارایه وام از سوی بریتانیا به افغانستان - چیزی که عملاً صلاحیت این کار را از سوی نمایندگان شورا نداشت." 3 محبوبیت بابا را در بین مردم از این میدانیم که بعد از رهائی از زندان بار دیگر از طرف مردم بریاست بلدیة شهر قندهار منتخب شد.

* - «طره باز خان» قوماندان پلیس دور صدارت «هاشم خان» در زندان سرای موتی بر زندانیان سیاسی رژیم نعره زد که : " دنیا میداند دولت بریتانیه شهباز است و افغانستان گنجشگی. شما به این شهباز بی احترامی کردید .." 4 او که ریاست کوتوالی (قوماندانی امنیت) را به عهده داشت در برابر دگر اندیشان و عناصر وطنپرست و مترقی با وحشت تمام به سرکوب و اعمال نازی مشرب می پرداخت .

«خالد صدیق چرخي» مینویسد: « تعدادی از زندانیان قصه های رویا رویی شان با قوماندان طره باز خان را با ما در میان می گذاشتند و از رفتار ضد انسانی او با زندانیان که مخالف تمامی موازین اخلاقی و انسانی بود حرف می زدند. بد رفتاری زبانی و فیزیکی او به حدی مخوف بود که من قادر به بیان آن با کلمات نیستم.»

5

وقتی گلوله های «عبدالخالق» قلب «نادر خان» را درید، این شاه در آغوش «طره باز خان» آخرین نفس هایش را کشید .

مآخذ:

1 - سید مسعود پوهنیار- ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد، ص 65 طبع 1375 پشاور

2 - عبدالحی حبیبی - جنبش مشروطیت در افغانستان - ص 158

3 - داکتر ولادیمیر بویک - راز های سر به مهر تاریخ دیپلماسی افغانستان با گزینش و گزارش، عزیز آریانفر



به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

http://www.arianfar.com/books/20090620_01.pdf

4 - میر غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد دوم صفحه 99
5- خالد صدیق چرخي - از خاطراتم - نشر اول جون 2007 چاپخانه مرتضوی - کلن المان .

دکتر اسدالله شعور معتقد است که مطبوعات این دوره (دوره امان الله خان) در پرورش یک نسل آزادی خواه و مبارز کمک کرد نسلی که در سالهای بعد وقتی آزادی های مدنی سلب شد، نمایندگان آن برای باز گرفتن آن آزادی ها زندگی شان را قربانی کردند: "با سقوط دولت امانی همین روشنفکران تحت تأثیر همان تبلیغات، تحت تأثیر همان مطبوعات با چه جان فشانی هایی برای حفظ دموکراسی و برای بازگشت دموکراسی عمل می کنند که حتی صدها جوان را می بینیم که از زنده گی خود و فامیل خود می گذرند."



داکتر اسدالله شعور با حضرت نجم العرفاً استاد حیدری وجودی

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند